

بازخوانی خیانت نفتی آمریکا به انگلیس و رژیم پهلوی

۲۸ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۰۲

۲۸ شهریور ۱۳۳۳ آمریکا و انگلیس موفق شدند قرارداد کنسرسیوم را به ایران تحویل کرده و نفتی که به ظاهر ملی شده بود را از چنگ ملت ایران خارج کنند. با امضای این قرارداد، ایران که پس از کودتا جولانگاه آمریکا شده بود، بیش از پیش خود را وابسته به این کشور دید.

درست یک سال و یک ماه بعد از کودتای ۲۸ مرداد، یعنی در ۲۸ شهریور ۱۳۳۳ آمریکا و انگلیس موفق شدند تا قرارداد کنسرسیوم را به ایران تحویل کرده و نفتی که به ظاهر ملی شده بود را از چنگ ملت ایران خارج کنند. با امضای این قرارداد، ایران که پس از کودتا جولانگاه آمریکا شده بود بیش از پیش خود را وابسته به این کشور دید به طوری که در سال‌های بعد تا بهمن ۵۷ همواره شاه مهره دست‌نشانده آمریکا محسوب می‌شد. به علاوه قرارداد کنسرسیوم وسیله‌ای بود تا استعمار آمریکا با کنار زدن متحد همیشگی‌اش، جایگزین آن شده و انگلیس را از صحنه رقابت استعماری خود در ایران به حاشیه براند.

انگلیس و نفت ایران

گرچه اولین امتیاز نفتی ایران به دوران پیش از مشروطه بازمی‌گردد اما سرنوشت پریشان نظام مشروطه باعث شد که پس از استقرار مجلس نیز نفت ایران به عنوان یک امتیاز، همواره نزد استعمارگران دست به دست شود. انگلیسی‌ها نخستین گروهی بودند که موفق شدند با حربه، امتیاز نفت ایران را تحت تسلط خود بگیرند. اما ناشیانه‌ترین قرارداد نفتی ایران در سال ۱۳۱۲ شمسی توسط رضاشاه با شرکت انگلیسی موسوم به شرکت نفت ایران و انگلیس بسته شد. طول مدت این قرارداد ۶۰ سال تعیین شد و بدین ترتیب نفت ایران در اختیار استعمار پیر قرار گرفت.

پس از پایان دو جنگ بین‌المللی تاثیر نفت در معادلات جهانی بر همگان کاملاً آشکار شده بود بر همین اساس از آنجا که پس از سقوط رضاشاه جو داخلی ایران علیه انگلیس بود، استعمار پیر تلاش کرد تا با پیش‌دستی، ضمیمه‌ای به قرارداد ۱۹۳۳ افزوده و نفت ایران را همچنان حفظ کند. به همین منظور نویل گس را به ایران فرستاد تا با گلشائیان، وزیر دارایی ایران وارد مذاکره شود. صرف نظر از اینکه بندهای قرارداد الحاقی گس-گلشائیان چه بود، به دلیل اتمام عمر مجلس پانزدهم این قرارداد به تصویب مجلس نرسید.

زمانی که مجلس شانزدهم آغاز به کار کرد پیش‌بینی می‌شد که جریان نفت مهم‌ترین موضوع این دوره باشد. بر همین اساس مبارزه برای خلع ید شرکت نفت ایران و انگلیس کلید خورد و با اتحاد نیروهای ملی و مذهبی نهایتاً نفت ایران در آخرین روز سال ۱۳۲۹ ملی اعلام شد. از این به بعد انگلستان تلاش کرد تا با شیطنت‌ها و کارشکنی‌ها، نهضت را از مسیر اصلی خود منحرف کند و حقیقتاً در این امر نیز موفق بود چرا که با جدا ساختن نیروهای ملی از نیروهای مذهبی با کمک آمریکا توانست زمینه‌های کودتای ۲۸ مرداد را فراهم کند.

در اینجا باید اشاره کرد که همراهی آمریکا با انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد به دلیل حمایت از انگلیس نبود بلکه آمریکایی‌ها از الگو گرفتن دیگر کشورهای نفت‌خیز از ایران واهمه داشتند و به دنبال آن بودند تا با حربه‌ای نظامی (کودتا) و سپس سیاسی (کنسرسیوم) نفت را به سود خود مصادره کنند. به این ترتیب می‌توان گفت مهم‌ترین عاملی که در همراهی آمریکا با انگلیس برای ساقط کردن مصدق تاثیر داشت ملاحظات نفتی بود.

اگرچه آنچه که در مرداد ۱۳۳۲ رخ داد معلول دلایل فراوانی بود اما اصلی‌ترین دلایل وقوع این کودتا را باید در وهله اول اشتباهات رهبران جبهه ملی و در درجه دوم اتحاد آمریکا و انگلیس برای به زیر کشاندن مصدق دانست.

اما مهم‌تر از آنکه کودتای ۲۸ مرداد چگونه منجر به بازگشت شاه به کشور شد، نتایج حاصل از کودتا بود. آنچه که به عنوان میراث کودتا برجای ماند علاوه بر اینکه ایران را تحت تسلط ابرقدرت جهانی قرار داد، نظام سیاسی و فکری ایرانیان را نیز دگرگون کرد. اما به روشنی ملموس‌ترین نتیجه کودتا، به غارت رفتن نفت ایران با حربه کنسرسیوم از سوی آمریکا و انگلیس بود.

*کنسرسیوم و تسلط آمریکا بر ایران

گرچه شاه گمان می‌کرد که با امضای قرارداد کنسرسیوم مناقشه نفتی را حل و فصل کرده است اما واقعیت امر چیز دیگری بود. انعقاد قرارداد کنسرسیوم در واقع نفت به ظاهر ملی شده را از تسلط ایران خارج کرده و در اختیار شرکت‌های غربی و در راس آن‌ها آمریکا قرار می‌داد.

به عبارت دیگر کنسرسیوم چیزی جز تداوم سلطه استعمار بر منابع ایران نبود. در این کنسرسیوم ۴۰ درصد از سهام به شرکت نفت انگلیس و ایران با نام جدید بریتیش پترولیوم، ۱۴ درصد به رویال داچ شل، ۶ درصد به کمپانی فرانسوی، و چهل درصد به شرکت‌های آمریکایی از جمله گلف، تگزاکو، استاندارد اویل نیوجرسی و موبیل تعلق گرفت.

با این ترکیب، این کنسرسیوم نخستین شرکتی بود که هفت خواهران نفتی همگی در آن شرکت داشتند. این قرارداد با بندهایی مبهم و تاریک بسیاری از حقوق ایران را زیر پا گذاشت.

کنسرسیوم حتی درصدی از نفت صادراتی را برای فروش مستقیم در اختیار ایران قرار نداد. فاجعه‌بارتر اینکه ایران را به پرداخت غرامت به بریتیش پترولیوم نیز محکوم کرد.

در حقیقت کنسرسیوم در حکم نوعی امتیازگیری بود که در محیط خفقان به ملت ایران تحمیل شد و گذشته از اینکه حقوق ایران را نادیده گرفت، کشور را در ابعاد اقتصادی، سیاسی و نظامی بیش از پیش به غرب وابسته کرد.

قرارداد کنسرسیوم دارای ۵۱ ماده و دو ضمیمه بود. این قرارداد درعین حال مملو از اصطلاحات نامفهوم یا دوپهلوی بود. ظاهر قرارداد مالکیت ایران را بر دارایی‌های نفتی به رسمیت می‌شناخت اما این مالکیت بی‌محتوا بود و مالک خود حق تصرف در دارایی‌هایش را نداشت.

حق انحصاری استفاده از تمام تاسیسات برای تمام دوره قرارداد به کنسرسیوم واگذار شده بود. نفت در زیر زمین دارایی ایران محسوب می‌شد اما وقتی استخراج شده و به سر چاه می‌آمد به مالکیت کنسرسیوم درمی‌آمد!

گرچه این قرارداد ناعادلانه موجب بروز نارضایتی‌هایی در کشور شد اما خفقان به وجود آمده پس از کودتای ۲۸ مرداد اجازه خودنمایی را به مخالفان نمی‌داد.

هربرت هوور قرارداد را به نمایندگی از سوی کنسرسیوم امضا کرد و رئیس هیئت مدیره شل نیز به عنوان مدیرعامل کنسرسیوم انتخاب شد.

چندی بعد مجلس هفدهم نیز که پس از کودتا مجدداً توسط شاه بازگشایی شده بود در یک جلسه غیر علنی قرارداد کنسرسیوم را به تصویب رساند. به این ترتیب رسماً صنعت نفت ایران ملی‌زدایی شد و نفت بار دیگر از تسلط ایران خارج شد.

علاوه بر این، ابهام موجود در قرارداد کنسرسیوم نیز که ناشی از بی‌اطلاعی رژیم و مجلس بود کفه ترازو را به سود کنسرسیوم پایین آورد. این قرارداد به نوعی یادآور موافقتنامه ۱۹۳۳ بود به طوری که به اعضای کنسرسیوم این اجازه داده می‌شد که بدون اطلاع ایران ترتیباتی در زمینه تغییر قیمت نفت و میزان تولید آن اتخاذ کنند. مدت‌ها طول کشید تا شاه به بلایی که کنسرسیوم بر سر ایران آورده بود پی برده و متوجه شد که کنسرسیوم بدون در نظر گرفتن نیازهای ایران اقدام به تصمیم‌گیری می‌کند.

حتی خود انگلیسی‌ها نیز اعتراف کردند که کنسرسیوم حربه‌ای برای کنترل پنهانی نفت ایران بود. به گفته دنیس رایت: براساس فرمول کنسرسیوم «ایران ظاهراً حاکمیت بر نفت را در اختیار داشت درحالی که کنترل واقعی در دست کنسرسیوم بود.» اما آنچه که پس از کودتا در ایران اهمیت داشت ورود آمریکا به صحنه سیاسی ایران بود به طوری که ایالات متحده رفته رفته بریتانیا را از صحنه رقابت کنار زد و در سال‌های بعد به کلی محمدرضا شاه را تحت کنترل خود درآورد. علاوه بر این، کنسرسیوم پیش زمینه‌ای

برای تحمیل قراردادهای ناعادلانه تری چون کاپیتولاسیون شد.

این واقعیت تلخ که کنسرسیوم از سال ۱۳۳۳ عملاً کنترل نفت ایران را در اختیار داشت با وقوع انقلاب اسلامی دگرگون شد. با سقوط رژیم منحوس پهلوی فاجعه‌ای که کنسرسیوم بر سر ایران آورده بود کشف شده و مشخص شد که کنسرسیوم از سال ۳۳ کنترل ۹۰ درصد از تولیدات را در اختیار داشته و منافع سرشاری را با این طریق از چنگ ایران خارج کرده است، بر همین اساس می‌توان گفت که تنها با وقوع انقلاب اسلامی بود که فرایند ملی شدن نفت ایران تکمیل شد.

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۱۵۸۸/خیانت-باز-خوانی-۱۵۸۸>